ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان

همشهری سلام

یک شنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ . ۲۳ صفر ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۶۸۱

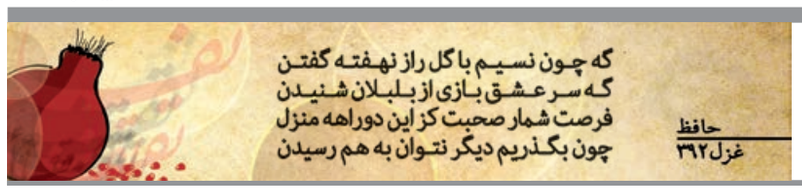

دنیا به روایت تصویر

گاردین- حرکت دسته جمعی سارها در غروب، اسکاتلند

شینهوا- بازدید گردشگران از دریاچه مه گرفته و مرموز داجیو، چین

رویترز- پاک سازی پارکی طبیعی در سائوپولو، برزیل

دور دنیا

ازدواج پسر ۲۵ ساله با پیرزن ۹۱ ساله!

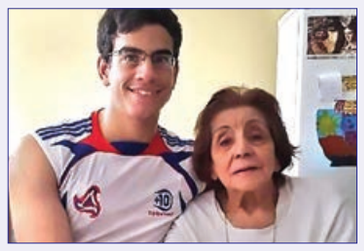

آدیتی سنترال- هنگامی که پای پول به میان می آید، بعضی ها ممکن است هر کاری بکنند، حتی ازدواج با زنی که همسن مادربزرگ شان است! پسر ۲۵ ساله آرژانتینی که به دلیل مشکلات مالی قصد داشت از تحصیل انصراف دهد، تصمیم گرفت با پیرزن ۹۱ساله همسایه ازدواج کند تا پس از مرگش، حقوق بازنشستگی اش را دریافت کند. زن همسایه هم برای این که به او کمک کند، این پیشنهاد را پذیرفت!

تلاش زنان آسیایی برای داشتن بینی های اروپایی

دیلی میل- میزان عمل های زیبایی در شرق آسیا در چند سال گذشته به اوج خود رسیده است. زنان کره جنوبی بیشترین عمل های زیبایی را در تمام دنیا انجام می دهند، با این حال هنوز هم از بینی های خود راضی نیستند و برای این که بیشتر شبیه غربی ها شوند، مدتی است استفاده از وسیله ای عجیب بسیار رایج شده است. این وسیله مانند چنگک داخل بینی قرار می گیرد و تیغه بینی را تحت فشار قرار می دهد و در کنار عمل های زیبایی بینی، تیغه آن را تحت فشار زیاد کوچک تر می کند، اما استفاده از آن عذاب آور است!

دلیل عجیب طلاق زن مصری

آدیتی سنترال- زن ۲۸ ساله مصری تنها دو هفته بعد از ازدواج به این دلیل که شوهرش تمام کارهای مربوط به خانه را انجام می دهد، تصمیم به طلاق گرفت. همسر ۳۱ ساله او صاحب یک تولیدی بزرگ پوشاک است که توسط چندین نفر اداره می شود، بنابراین خودش بیشتر اوقات در خانه است و همه وقتش را صرف تمیز کردن منزل و تغییر دکوراسیون می کند. او حتی به همسرش اجازه نمی دهد تا دست به سیاه و سفید بزند! زن مصری اعلام کرده با مردی که از صبح تا شب در حال خانه داری است نمی تواند زندگی کند!

شعر طنز

واقعاً خسته نباشید!

قبل هر کار؛ می شوم خسته!
در اگر آورم لباسم را
غیر از این ها درون سلمانی
از بدهکار می شوم شاکی!
قبل افطار عمدتاً خوابم
گاه پیش آمده که از راه
گر شوم یک زمان فروشنده
من اگر دزد هم شوم قطعاً
از کتاب و تمیزی و ورزش!
خودکشی، جنگ، زلزله، آشوب
توی بازار؛ می شوم خسته
یا که شلوار؛ می شوم خسته
حین سشوار؛ می شوم خسته
از طلبکار می شوم خسته!
بعد افطار می شوم خسته
خوب و هموار می شوم خسته!
از خریدار می شوم خسته
روی دیوار می شوم خسته
طبق آمار؛ می شوم خسته!
من ز اخبار می شوم خسته

امیرحسین خوش حال

چند سال بعد در چنین روزی

پشه، تنها گونه منقرض نشده جانوری

بنا بر اعلام رئیس سازمان حمایت از روح حیوانات منقرض شده، ۹۹/۹ درصد گونه‌های جانوری کشور تا کنون به فهرست حیوانات این سازمان پیوسته‌اند و تنها جانورهای باقی مانده، گونه‌ای از پشه‌ها هستند که نمی‌دانیم روزها کجا می‌روند. وی که در نشست خبری خود بارها پشه‌های روی سرش را با دست له می کرد گفت: «ما صد در صد از روح حیوانات منقرض شده حمایت می کنیم و نمی‌گذاریم جایی پشت سرشان کوچک ترین حرفی زده شود». وی اظهار امیدواری کرد با انقراض پشه‌ها، این سازمان بتواند با تمرکز کامل روح حیوانات را حمایت کند. شایان ذکر است تنها علت بسته نشدن در سازمان محیط زیست تا کنون، باقی ماندن همین پشه‌ها بوده و با انقراض آن‌ها تمام بودجه صرف فعالیت‌های سازمان حمایت از روح حیوانات منقرض شده خواهد شد. **الکی**

مسابقه چی شده؟

این جوری نگام نکن!

سلام. مسابقه دوست داشتنی و پرطرفدار «چی شده؟» این بار وارد حیات وحش شده! همان طور که می بینید، این بار یک عکس از حیوانات در دل طبیعت گذاشتیم تا نشون بدید که در عرصه های راز بقا هم می تونید نمک بریزید! حدس می زنیم سخت باشه ولی سعی کنین و طبع طنازتون رو نشون بدین. شما باید برای این عکس یک شرح حال طنز و بامزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ امشب (یک شنبه) فرصت دارید داستان آن را برای ما بفرستید. لطفا در ابتدای هر پیامک، نام ستون «چی شده؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو حتما بنویسید. بنابراین پیامک ارسالی باید این جوری باشه: «چی شده؟ وقتی ... (نام و نام خانوادگی)». بامزه‌ترین و خلاقانه ترین جمله های فرستاده شده، روز سه شنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه. شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ هم آماده دریافت پیام های شماست. همیشه خوش باشید و اما چند مثال:

* وقتی بهت میگن مدل چتری چقدر بهت میاد و توی رودربایستی گیر می کنی و شش سال به موهات دست نمی زنی!
* وقتی هربار می خوای بری آرایشگاه و یادت میاد چقدر باید پول بدی و پشیمون میشی!
* وقتی تو جمع دوست های داداش بزرگترت یه جوک بی مزه تعریف می کنی!
* وقتی به محله جدید اسباب کشی کردین و تازه با بچه های همسایه روبه رو میشین!

دی روزنامه

ولش کن، ولش کن!

این طور نیست که آدم همیشه به هر خبری که درباره هم میهنانش می شنود افتخار بکند. گاهی بعد از شنیدن خبرهایی درباره بعضی ایرانی های عزیز، آدم دلش می خواهد زمین دهان باز کند یا دود شود و قاطی آلودگی هوا محو شود. نباید توقع داشته باشیم همیشه خبرهایی مانند خریدن لکسوس به جای ۲۰۶ برای فرزندانی که در دانشگاه قبول می شوند یا استفاده از طلسم در فوتبال مان، مطرح شود و به آن ها افتخار کنیم و خبر و عکس و فیلم شان را دست به دست بچرخانیم. بعضی وقت ها خبرهایی می شنویم که باید همان جا چال شان کنیم و صدایش را درنیاوریم و اجازه ندهیم دست شخص دیگری به آن برسد.

نمونه اش همین خبر فرود اضطراری هواپیما در هند، به دلیل درگیری یک زن و شوهر ایرانی. کاری به دلیل شروع این دعوا نداریم که چرا این طور به سر و کله هم کوبیده اند که کادر پرواز مجبور شده اند هواپیما را نگه دارند و این دو نفر را پیاده کنند تا روی زمین به دعوایشان ادامه دهند. از قدیم گفته اند «زن و شوهر دعوا کنند، ابلهان باور کنند!» ولی مسئله مهم این است که خلبان و مهمانداران خیلی کارهای بهتری می توانستند بکنند.

اولین راه حلش این بود که در بین مسافران می گشتند و از یک خانم مسن که ترجیحا شبیه مرحوم حمیده خیرآبادی باشد خواهش می کردند بیاید واسطه خیر شود و این دو گلی که از شکفتگی شان مدت ها گذشته را با هم آشتی دهد. تجربه ثابت کرده یک بار «خُبه خُبه» گفتن مرحوم خیرآبادی مثل آب روی آتش شدیدترین دعواهای منطقه را هم به پایان می رساند! راه دیگرش این بود که وسط دعوای این دو عزیز، یکی از آن طرف داد بزند که: «وای چه گربه نـازی...» این طور که این روزها و به خصوص در شبکه های اجتماعی مد شده، گربه ها کم کم در حال تبدیل شدن به مورد علاقه ترین موجودات هستند و هرگونه عکس و فیلم و دابسمش و حتی خبر مرگ و تولدشان، عکس العمل های زیادی را به دنبال دارد. اگر این کار را می کردند، همه می دیدند که چطور خانم یقه آقا را اول می کرد و لنگه کفشش را از توی دهان شوهرش بیرون می کشید تا برود عکس گربه را ببیند و نازش کند! آخرین راهش هم این بود که خلبان می توانست همان وسط آسمان، پنجره را باز کند و مرد را بیرون بیندازد، با یک چتر نجات. چون تازه الان متوجه شدیم که دلیل شروع درگیری چه بوده!

علیرضا کاردار

قصارزاده

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* «تا حالا دقت کردین» دیروز خیلی خوب بود. دقیقا همین طوره. آقای کاردار به نکته جالبی اشاره کردند. **محمد**
* با تشکر از مطالب آموزنده تان در صفحه زندگی سلام. قبلا خیلی مطالب تکراری بود. ولی یکی دو هفته است که مطالب آموزنده می گذارید.
* خواستم از طریق روزنامه خوب شما از مددکار گرامی کمیته امداد امام خمینی(ره) سرکار خانم دشتیانی به دلیل برخورد خوب با ارباب رجوع تشکر کنم.
* سوختم و دود نکردم از دست این دوستان. **صمدی، بجنورد**
* بی من تو به سر بری همه عمر، من بی تو گمان مبر که یک دم، بنشینم و صبر پیش گیرم، دنباله کار خویش گیرم. **مسعود مجنون پور**
* دختر عزیزم فرزانه بابا، می دونم به خاطر این که من بیشتر از این احساس تنهایی نکنم از وقت تفریحت می زنی تا کنار من باشی. امیدوارم عاقبت به خیر بشی. **دوستدارت بابارضا**

در محضر بزرگان

اصلاح خود، سپس اصلاح دیگران

مرحوم آیت ا... بهجت درباره برنامه داشتن برای اصلاح زندگی فرموده اند: «پس از آن که انسان برنامه خود را درست کرد، باید اول خودش به آن التزام عملی داشته باشد و به آن متعهد شود تا از ناحیه آخرتی خاطر جمع گردد و پس از آن که خود را با این برنامه اصلاحی اصلاح کرد، می تواند دیگران هر چند افراد منصف را با خود هم عقیده کند و تدریجا به افراد بگوید که این عقیده من است و این هم دلیل من.»

وب سایت مربی

بریده کتاب

از مشکلات فرار نکن!

از موری سوال کردم وقتی جوان بوده چرا از آمریکا نقل مکان نکرده. «به کجا؟» نمی‌دانم. آمریکای جنوبی. استرالیا یا هرجای دیگری که به اندازه آمریکا در آن جا خودخواهی وجود نداشته. موری در حالی که ابروهایش را بالا می‌انداخت- برای او این عکس‌العمل نزدیک‌ترین کار مشابه بالا انداختن شانه‌ها بود- ادامه داد: «هر جامعه‌ای مشکلات خاص خودش را دارد. فکر می کنم فرار راهش نیست. تو باید آن‌قدر کار کنی که فرهنگ خودت را خلق کنی».

برگرفته از کتاب «سه شنبه‌ها با موری» اثر میچ آلبوم

فتو شعر

غلط ننویسیم

بلیت یا بلیط؟

این کلمه به معنای «تکه کاغذ چاپ شده که خریده می شود و هنگام ورود به سینما و تماشاخانه یا وسایل نقلیه و جز این ها ارائه می شود»، است.

این کلمه از واژه Billet فرانسوی و از زبان روسی گرفته شده و بهتر است که با حرف «ت» و به صورت بلیت نوشته شود و نه «بلیط».

برگرفته از کتاب «غلط ننویسیم» اثر ابوالحسن نجفی

کاریکلماتور

* ماهی از دریای «آزاد» به حوض تبعید شد.
* تا آخر عمر با خودم «هم سایه» هستم.
* تا احتکار هست، از «کار» نان در نمی آید!
* فقط کفش هایم همه جا با من «همپا» هستند.
* در کوره جریمه ها نقره «داغ» می شویم.
* ساختمان مردم بدون «مصالح» ساخته می شود.

رضا وارسته

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا تاتاری، تصویرساز: سعید مرادی

سخت‌ترین نبردی که باید در آن بجنگی،
میان آن‌چه حس می‌کنی و آن چه می‌دانی است

اندکی صبر

پیدایم کن!

از زیر سنگ هم شده پیدایم کن!
دارم کم کم این فیلم را باور می کنم
و این سیاهی لشکرِ عظیم
عجیب خوب بازی می کنند
در خیابان ها
کافه ها
کوچه ها
هی جا عوض می کنند و
همین که سَر برگردانم
صحنه بعدی را آماده کرده اند

گروس عبدالملکیان

سرنقطه